



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر

تاریخ: ۲/آبان/۱۳۹۶

موضوع جزئی: مباحث مقدماتی - واجب نفسی و غیره - تنبیهات -

مصادف با: ۴ صفر ۱۴۳۹

تنبیه سوم: عبادیت طهارات ثلاث - پاسخ دوم (شیخ انصاری)

پاسخ سوم و بررسی آن

جلسه: ۱۳

سال نهم

## «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

جهت حل اشکالات مربوط به طهارات ثلاث راه حل هایی ارائه شد. راه حل اول را به همراه نقد و بررسی آن بیان کردیم. راه حل اول راهی بود که شیخ انصاری برای حل این اشکالات مطرح کردند و ما چگونگی حل یکایک آن اشکالات را با این بیان توضیح دادیم و اشکالی که به این راه حل وارد بود را ذکر کردیم.

### راه حل دوم (شیخ انصاری)

اگر مقدمیت یک شی برای شی دیگر به نحوی باشد که قوامش به قصد قربت و عبادیت آن باشد، مثل وضو که مقدمه نماز قرار داده شده است، اگر قوامش و اساسا مقدمیتش بر این پایه استوار شده باشد که حتما به نحو عبادی اتیان شود یعنی با قصد قربت، چاره ای نیست که شارع به یک نحوی این مطلب را به بنده اش اعلام کند. وقتی شارع واجبی را مانند نماز مبتنی کرده بر یک مقدمه ای مثل وضو بنحوی که بدون وضو نماز قابل اتیان نیست و وضو نیز نه فقط غسلات و مسحاتش مورد نظر باشد، بلکه شستن ها و مسح کشیدن ها به قصد قربت مقدمه برای نماز قرار داده شده باشد، شارع باید بگونه ای به بندگانش این مطلب را بفهماند که شما که می خواهید نماز بخوانید باید قبلش وضو بگیرید و وضو نیز عبارت است از این اعمال به ضمیمه قصد قربت. این جا اگر بخواید همین مطلب را در ضمن امر به وضو بیان کند، امکان پذیر نیست و نمی تواند بگوید «توضوا بقصد القربه للصلوه» زیرا اخذ قصد قربت در متعلق امر به همان شی ممتنع است. طبق نظر مشهور شارع نمی تواند بگوید «صل بقصد القربه» زیرا قصد قربت یعنی قصد امتثال امر و معنای «صل بقصد القربه» این است که من به تو امر می کنم که نماز بخوانی و نماز را به قصد امر من بیاوری و این ممتنع است که بیانش گذشت و از آن تعبیر می شود به امتناع اخذ قصد قربت یا قصد امتثال امر در متعلق امر. حال اگر شارع بخواید امر به وضو کند و وضویی مورد نظر او باشد که قصد قربت و قصد امتثال امر در آن باشد؛ نمی تواند آن را در ضمن خود امر به وضو ولو امر غیره باشد بیان کند. پس این راه به روی شارع بسته است و از یک طرف نیز غرض شارع بدون این قصد قربت تحقق پیدا نمی کند پس از یک طرف باید وضو با قصد قربت باشد و از طرف دیگر نمی تواند در ضمن خود امر به وضو این مطلب را بیان کند.

لذا شیخ انصاری می فرماید: این جا اصلا نیازی به امر نیست. شارع امر را می کند و می گوید ایها الناس «توضوا للصلاه» که حرفی از قصد قربت نمی زند اما با یک بیان دیگری می گوید آن وضویی که من آن را مقدمه نماز قرار دادم باید به قصد قربت و قصد امتثال امر اتیان شود.

پس مهم این است که عبادیت وضو درست شود. زیرا وضوی عبادی مقدمه نماز است و غرض شارع با صرف این اعمال بدون قصد قربت حاصل نمی شود وضویی بنده را آماده برای نماز می کند که عبادت باشد و عبادیت وضو نیز به قصد قربت است و قصد قربت را نیز نمیتواند در همان امری که به وضو می کند اخذ کند. لذا در مرحله اول فقط امر به وضو می کند و این وضو هنوز عبادیتش ثابت نشده؛ بعد به طریق دیگری بعد از آن که امر به خود این عمل می کند به طریق دیگری به مکلفین اعلام می کند که شما باید آن چیزی که من قبلا از شما خواستم آن ذات العمل را به قصد امتثال امر من بیاورید یعنی اگر کسی سوال کرد که چرا وضو می گیرید باید در جوابش گفته شود چون خدا خواسته است برای نماز وضو گرفته شود پس عبادیت وضو ناشی از امر دیگر نشد.<sup>۱</sup>

با این بیان نه تنها اشکال دور که خود شیخ انصاری آن را بیان کردند برطرف می شود بلکه تمامی اشکالات دیگر حتی اشکال محقق نایینی نیز حل می شود. اشکال دور این بود که از یک طرف امر غیری به وضو متوقف بر عبادیت وضو است زیرا اجماعی و مسلم است که وضوی عبادی مقدمه نماز است ولی ضلع دیگر دور که عبادیت وضو متوقف بر امر غیری است با این بیان منهدم می شود و دور از بین می رود زیرا عبادیت وضو ناشی از امر غیری نیست بلکه امر غیری متعلق شده به ذات العمل من دون قصد القربه. ولی از راه دیگری شارع اعلام کرده که این عمل باید به قصد قربت امتثال شود.

این راه حل تقریبا شبیه راه حلی است که محقق نایینی به عنوان متمم جعل مطرح نموده اند. یعنی کانه شارع اول امر به وضو می کند و بعد در بیان دیگر می گوید وضو عبارت است از این اجزاء و قصد قربت که می تواند به عنوان جعل یا تبیین باشد. لذا با این بیان دور از بین می رود زیرا عبادیت فعل هرچند از تعلق امر ناشی شده ولی امر متعلق به ذات فعل شده است لذا این امر متوقف بر فعل عبادی نیست و عبادیت آن از راه دیگری به دست آمده نه از امر به وضو که اشکال دور پیش بیاید. اجمالا با این راه حل کانه بتوان همه اشکالات پنج گانه ای که در گذشته ذکر شد را پاسخ داد.

### راه حل سوم (منسوب به شیخ انصاری)

محقق خراسانی در کفایه راه حلی را به شیخ انصاری نسبت داده که فیه تامل. اگر ما این نسبت را قبول کنیم در حقیقت این راه حل سوم شیخ انصاری محسوب می شود.

ایشان می فرمایند: غرض اصلی از ذی المقدمه بدون این که آن ذی المقدمه به نحو عبادی بیاید حاصل نمی شود و غرض شارع از نماز صرفا این نیست که کسی بایستد و خم و راست شود و وجه ارتباطش با خدا و قصد قربت مد نظر نباشد. خدا در این نماز غرضی را تعقیب می کند مثل «معراج مومن» «قربان کل تقی» «تنهی عن الفحشا» که آن غرض صرفا با ایستادن رو به قبله حاصل نمی شود و حتما باید بخاطر خدا باشد. به این معنا که اگر کسی سوال کرد چرا این کار را انجام می دهید بتوان گفت که چون خدا گفته و به قصد اطاعت و امتثال دستور خدا آن را اتیان می کنیم. نماز با این خصوصیت آن آثار را دارد و گرنه اگر به

<sup>۱</sup> کتاب الطهاره، ص ۸۸ (چاپ قدیمی)

قصد ورزش یا ریا انجام شود آن غرض از این حرکات حاصل نمی شود. پس غرض از ذی المقدمه تنها در صورتی حاصل می شود که ذی المقدمه به نحو عبادی اتیان شود و وقتی می گوییم به نحو عبادی اتیان شود یعنی به قصد قربت آورده شود. در مورد خود ذی المقدمه مطلب دیگری نیز وجود دارد و آن این که آن ذی المقدمه تنها در صورتی غرضش محقق می شود که مقدمه اش نیز اتیان شود. یعنی همان شارعی که از ما اتیان به نماز را خواسته و غایت نماز را در گرو اتیان نماز علی وجه عباده قرار داده، گفته قبل از نماز باید وضو بگیری یعنی غرض از این ذی المقدمه جز با تحقق مقدمه محقق نمی شود و این مقدمه نیز باید به نحو عبادت باشد. پس اگر طهارات ثلاث مثل وضو می بایست علی وجه العباده و بقصد القربه اتیان شوند به این جهت است که غرض از ذی المقدمه بدون آن حاصل نمی شود. پس ایشان می فرمایند: غرض از ذی المقدمه در مثل نماز لا یتحقق الا به این که ذی المقدمه علی وجه العباده اتیان شود و همچنین غرض از نماز لا یتحقق الا به این که مقدمه اش یعنی وضو نیز محقق شود و نیز غرض از ذی المقدمه لا یتحقق الا به این که این مقدمه نیز علی وجه العباده اتیان شود. پس طهارات ثلاث باید علی وجه العباده اتیان شوند و به قصد قربت باشند زیرا غرض از ذی المقدمه، جز با اتیان به مقدمه علی وجه العباده حاصل نمی شود.<sup>۱</sup>

### بررسی راه حل سوم

تمام سخن محقق خراسانی در این راه حل و نتیجه راه حلی که ایشان بیان کردند چیزی نبود جز این که طهارات ثلاث باید علی وجه العباده اتیان شود که این خودش بیان اشکال است نه راه حل. این بیان در واقع اثبات می کند که یک مشکلی اینجا وجود دارد. اثبات می کند که طهارات ثلاث حتما باید علی وجه العباده اتیان شود. این معنایش این است که پس امر غیری باید متعلق شود به عبادت و از آن طرف امر غیری نیز متوقف بر عبادت است که این همان دور است.

این راه حل که محقق خراسانی آن را به شیخ انصاری نسبت داده اند، مقایسه کنید با راه حل دوم که در بالا بیان کردیم. ملاحظه کنید که بین این دو ارتباطی وجود دارد؟ چیزی که محقق خراسانی به شیخ انصاری نسبت داده اند در واقع تثبیت موضوع اشکال است. اساس اشکال از همین جا ناشی می شود یعنی ما مواجه با این هستیم که طهارات ثلاث باید علی وجه العباده اتیان شوند. ثواب و قصد قربت و اعتبارش و لایسقط الامر به الا مع القصد القربه و دور از همین جا ناشی می شود. حال چطور این مطلب را محقق خراسانی به عنوان راه حل به شیخ انصاری نسبت داده اند. زیرا راه حل باید مبین منشاء این عبادیت باشد. محقق خراسانی در این راه حل فقط خود عبادیت را تثبیت کرده و هیچ بحثی از منشاء نکرده است.

لذا راه حل سوم که محقق خراسانی به شیخ انصاری نسبت دادن در واقع راه حل نیست.

«الحمد لله رب العالمین»

<sup>۱</sup> کفایه، ص ۱۱۱ (آل البیت)